

۱۶۸۲۲

مجله	حرف اسلامی
تاریخ نشر	آبان ماه ۱۳۴۶
شماره	۴
شماره مسلسل	
محل نشر	تهران - سازمان اوقاف
زبان	فارسی
نویسنده	ابوالحسن خراسانی
تعداد صفحات	۸ - (۲۸ - ۲۰)
موضوع	تفصیل الآیات - قرآن و تاریخ
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تفصیل الایات - قرآن و تاریخ

در مقاله شماره پیش گفتیم صاحب شریعت اسلام برای ضبط وقایع و انجام دادن اعمال دین و اوقات عبادات سال و ماه قمری را برگزید بعللی که در آنجا ذکر کردیم ، و نیز گفتیم اقوام نیمه متمدن به غیر حوائج عصر خویش نیاز ندارند ؛ مهمترین مقصود آنان ضبط فصل گرما و سرما و رسیدن محصول تولید مویشی و فزونی غلات و شیر و پنیر است و بگذشته اسلاف و قرون پیشین علاقه ندارند ، برخلاف اقوام متمدن ، که علاوه بر عصر خود بدانستن گذشته نیز علاقه مندند ، و برای نتایج فکرت بزرگان افراد انسان و تحقیقات دانشمندان پیشین ارج و بها قائلند ، خصوصاً برای علمای نجوم و تاریخ ، زیرا دانستن فواصل زمانی و وقایع از همه چیز مهمتر است . در آن مقاله گفتیم که سال قمری مسلمانان و شمسی اصطلاحی روم قدیم که امروز به تاریخ ژولسزار مشهور است برای ضبط دقیق از همه بهتر و کافیتراست . و سال شمسی حقیقی بدقت کافی نیست . از آیات کریمه قرآنی که بنای شرح و تفسیر آن را داشتیم آیات هلال است (یسئلونک عن الالهة قل هی موافیت للناس) که فرصت شرح آن را نیافتیم و اکنون تدارک ما فات بر عهده ما است . نیز چندی پیش از طرف سلطان مغرب پیشنهادی شایع گشت که مسلمانان برای رفع اختلاف در رؤیت هلال بحساب علمی منجمین رجوع کنند ، که در عصر ما با ترقی علم و کثرت وسائل حساب آنان بنایت دقت و صحت رسیده و اعتماد بر آن در راهنمایی کشتی ها و طیارات و

زیردریائی و امثال آن معلوم است ، و باید این مطلب نیز تحقیق شود . گرچه همان وقت گروهی دانشمندان اظهار نظر کردند ، و در امکان یا عدم آن سخن گفتند ، بعضی دوستان از من نیز نظر خواستند ، اما چون غرض پیشنهاد کننده را نمیدانستم و جواب دادن بسؤال مبهم معقول نیست ، آنرا به وقت دیگر احاله کردم که بتفصیل جهات علمی و دینی مسئله را از همه باب بررسی کنم و جوابی منقح بدهم . باری مسئله مسکوت ماند ، اما همیشه این فکر در اذهان اهل تحقیق بوده و هست . اسماعیلیه مشرق طریقه‌ای اندیشیده بودند اما مقبول نیفتاد و مشهور نگشت چون موافق شرع صحیح نبود و باختصار اشاره بآن خواهم کرد انشاء الله تعالی .

تاریخ حقیقی
واصطلاحی
زمان را اگر مطابق اوضاع حقیقی فلکی
تقسیم کنیم تاریخ حقیقی و اگر موافق
قرار داد خود مردم تقسیم کنیم

اصطلاحی است . چنانکه رسیدن خورشید به نصف النهار ظهر حقیقی است و ظهر وسطی اصطلاحی است . زمان حقیقی قابل تغییر نیست و تابع اصل خلقت و آفرینش است ؛ اما اصطلاحی قابل تغییر است . منجمین اسلامی ظهر وسطی را در ۲۱ برج دلو مطابق ظهر حقیقی قرار میدادند و پس از آن تا آخر سال ظهر حقیقی پس از وسطی بود . اهل زمان ما آنرا در ۲۶ حمل قرار میدهند و ظهر حقیقی گاهی مقدم می شود بر ظهر وسطی و گاه موخر بنابراین چهاربار منطبق میشود .

چون اصطلاح و قرارداد است میتوانند تغییر دهند و هر دو
طریقه منجمین اسلامی و منجمین عصر ما صحیح است. اما
ظاهر حقیقی قراردادی نیست و تابع رسیدن قرص آفتاب است
نصف النهار در هر شهر نسبت به خود.

شاید خوانندگان گرامی در تقویم و تواریخ امت‌های
دیگر با تامل نظر کرده بدانند که آنان اوقات امور عادی
زندگی خویش بلکه اعمال و وظایف دینی و اعیاد مذهبی را
بر اوضاع فلکی و حرکات ماه و خورشید مبتنی نساختند
بطوریکه آغاز و انجام اجزاء و تقسیمات زمان درست
منطبق با حالت معین از حالات ماه و خورشید باشد. مصریان
و بابلیان و ایرانیان قدیم پیوسته سی روز را یکماه می‌گرفتند
و پنج روز در آخر ماه دوازدهم می‌افزودند و سال ۳۶۵ روز
میشد بی کسر، با آنکه یک دوره مسیر خورشید از اول حمل
تا حمل دیگر چند ساعت از این بیشتر است. پس اول سال
آنان منطبق با اول دوره حرکت خورشید نمیشد، و ماهها نیز
که همه سی روز بود آغاز آن‌ها با انتقال خورشید از برجی
برج دیگر منطبق نبود، اگر میخواستند وضع تقویم منطبق
بر وضع حقیقی خورشید باشد مانند واضعان تاریخ جلالی،
آغاز سال را اول حمل می‌گرفتند و اول هر ماه را انتقال
خورشید از برجی به برج دیگر.

آغاز سال رومی قدیم نیز منطبق بر وضع معین
خورشید نیست؛ همچنین آغاز هر ماه، و سایر تواریخ همه
بر حسب وضع و قرار خود مردم است نه بر حسب اوضاع حقیقی
فلکی.

صاحب شریعت اسلام کلیه اوقات و تقسیمات زمان
را مبنی بر اوضاع حقیقی قرارداد است، برای آنکه مردم
بدانند زمان اندازه حرکت اجسامی است که خداوند خلق کرده، و
آنها را بتقدیر و اندازه مضبوط بحرکت آورده است. در خاطر
آنها متمرکز میشود که از منته عبادات امر الهی و حقیقی است
نه جعلی و قراردادی که قابل تغییر و تبدیل باشد. آغاز و
انجام هر ماه یکی از تشکلات قمر است؛ یک ماه عبارت از آن
است که قمر همه تشکلات خود را طی کند تا به حالت پدر
برآید، آنگاه کاسته گردد تا ناپدید شود و باز بصورت هلال
نمایان گردد. چونکه این حالات خلقت الهی است و دست ما
بآن نمیرسد ماه رمضان و دیگر ماهها نیز مبنی بر همین تشکلات

سازمان اوقاف

است و وضع الهی است. سایر امت‌ها اول و آخر ماه را بر حسب
مصلح و سلیقه خویش قراردادند و اگر مصلحت بهتر یافتند
آنها تغییر دادند. چنانکه در تقویم گرگوار مستعمل مردم
اروپا اوایل ماهها تغییر یافت و اعیاد مسیحیان سیزده روز
از آنجا که بود مقدم افتاد، ما چنین عمل در ماههای هلالی
نمیتوانیم انجام دهیم اول ماه رمضان وقتی است که هلال دیده
شده است و حتی یکروز هم نمیتوانیم آنرا مقدم یا مؤخر سازیم.
ماه وقتی از خورشید فاصله بسیار ندارد اصلاً دیده
نمیشود و در آن حال گویند در محاق است و در وسط زمان
محاق با خورشید در یک نقطه فلکی قرار دارد که هرگاه کسوف
اتفاق افتد یعنی آفتاب بگیرد در همان وقت ماه در پیش خورشید
واقع شده و مانع رسیدن نور خورشید میگردد، این حال را
حالت اجتماع گویند و اگر کسوف نباشد حالت اجتماع با چشم
دیده نمیشود. بعضی طوایف مانند یهود حالت اجتماع را آغاز
ماه قمری قراردادند. اما چون این حال محسوس نیست در دین
اسلام بدان اعتنا نشده، یکی یاد روز پس از اجتماع را که ماه
بصورت هلال پدیدار میگردد غره گرفتند.

نالینو مستشرق ایتالیائی

گفتار نالینو در ارتباط است و در دانشگاه بلرم

اعمال دینی اسلام استاد بود زبان عربی نیکو

و اوضاع فلکی میدانست و کتب هیئت و

نجوم علمای اسلام را

خوانده بود و تحقیقاتی در تاریخ علوم ریاضی و

خصوصاً نجوم و هیئت مسلمانان نموده. خطابه‌های وی در این

موضوع بزبان عربی در شهر رم سال ۱۹۱۱ مسیحی بطبع

رسیده است. در خطابه ۲۹ آن کتاب گوید:

«هر کس در احکام دینی مسلمانان نظر کرده باشد

بروی پوشیده نیست که میان احکام شریعت اسلام و اوضاع

آسمانی رابطه روشنی است. اوقات نمازهای پنجگانه از یک

شهر تا شهر دیگر و از یک روز تا روز دیگر فرق میکند و

حساب آن متوقف بر داستان عرض جغرافیایی بلاد و حرکت

خورشید در فلک البروج و احوال صبح و شفق میباشد. و نیز

شرط نماز است که مسلمان در هر جایی کره زمین روی یکجه

بایستد و آن موجب شناختن سمت قبله است و مبنی بر حل یکی

از مسائل علی هیئت از حیاب مثلثات. دیگر از اعمال آنان

نماز آیات است هنگام کسوف و خسوف و چون وقوع آنها

از پیش بدانند خویش را آماده نماز میسازند و این هم ممکن نیست مگر بشناختن حرکت ماه و خورشید و استعمال جداول صحیح . همچنین روزه و عید فطر به حساب گردش فلکی مربوط است چون آغاز ماه روزه و انجام آن به پدید آمدن هلال است (که امری واقعی است) نه از تقویم رسمی اصطلاحی (که آغاز و انجام ماه را از یک زمان اختیاری انتخاب کنند) و هم آغاز روزه از فجر دوم حساب میشود .

پس از آن نالینو عقاید فقها را در این باب نقل کرده است و ما هم بدان اشاره خواهیم کرد - آنکه گوید «احکام شریعت اسلام علمای هیئت را بر آن داشت که در امور مربوط برویت هلال و ظهور شفق و فجر بدقت نظر کردند چنانکه در این مسائل تیز یافتند و حسابها اختراع نمودند و راههای نو نهادند که پیش از آنها کسی از یونان و هند و فارس بدان راه نیافته بودند .

خلاصه آنکه ارتباط بعضی احکام شریعت با مسائل هیئت رغبت مسلمانان را بدانستن امور فلکی و کواکب بیفزود و دانشمندان دینی اسلام را بر آن داشت که قسمتی از علم نجوم را سودمند و صحیح بدانند یعنی آن قسمت که بحساب مربوط است و آنرا غزالی قسمت حسابی از علم نجوم نامیده است .

بعد از آن گوید : «از علی که مسلمانان متدین را به علم هیئت ترغیب کرد آیات قرآن است که فوائد و مصالح بسیار عظیم اجرام سماوی و حرکات آنها را اثبات کرده است و مردم را به تأمل و اندیشه در آن فراخوانده تا نعمت و حکمت های الهی را که در آنها بکار رفته دریابند .

تفسیر بزرگ قرآن مانند مفاتیح الغیب فخر رازی و تفسیر نظام الدین حسن نیشابوری هر جا فرصت یافتند به شرح فلکیات پرداختند ؛ و ابن یونس منجم مشهور متوفی به سال ۳۹۹ ، در مقدمه زیج خود همه آیات قرآن را که در فلکیات آمده است یکجا فراهم ساخته و بر حسب موضوع مرتب کرده است . بسیاری از علمای اسلام در توحید و معرفت پروردگار تالیفات نیکو دارند ، و بهترین راه را برای معرفت حق اندیشه در عجائب آفرینش او شمرده اند ، که چون انسان به دقت در مصنوعات او و حکمت ها که در هر یک به ودیعه نهاده شده است نظر کند بقدرت و علم بی منتهای سازنده آن واقف گردد . از جمله غزالی با کمال فصاحت و بلاغتی که

داشت و با اطلاق وسیع و تأملی که در اوضاع سماوی حاصل کرده بود عجائب حکمت آنها را در ضمن بیان آثار شگفت انگیز سایر مخلوقات بر شمرده است . پس از این نالینو از سایر علمای اسلام نیز عباراتی در این معنی آورده است چون در حکم مکرر بود از نقل آن صرف نظر کردیم .

نالینو در ضمن سخنان خویش آراء فقها را نیز نقل کرده است که آیا میتوان بر حساب نجومی که به قواعد ریاضی متکی است اعتماد کرد یا نه ؛ البته آغاز ماههای اسلامی پدید آمدن هلال است و کسی نگفته است میتوان وقت دیگر غیر هلال را اول ماه قرارداد ، اما میشود همان پیدایش هلال را به غیر دیدن ثابت کنیم ؛ چون از روی حساب میتوان یقین کرد که ماه قابل رویت شده است .

از بعضی علمای شافعی مانند ابن سریج متوفی به سال ۳۰۶ نقل کرده است ، که : هر گاه ابر آسمان را فرو گیرد و ماه را بپوشد که هلال دیده نشود ، برای منجم که حساب سیر کواکب میکند جائز است در اعمال خود بآن حساب رفتار کند و اگر حساب اودالات بر قابلیت رویت کند خود روزه گیرد . این فتوی را که نالینو از ابن سریج نقل کرده است بسیاری از علمای شیعه نیز گفته اند ، چون علم حجت است از هر راه حاصل آید و آنها که بر حساب منجمین اعتماد نکردند از این جهت نکردند که احتمال سهو و اشتباه در حساب آنان داده اند .

باز نالینو از قول ابن تیمیه حنبلی متوفی به سال ۷۲۸ فتوایی آورده است از کتاب وی موسوم به بیان الهدی من الضلال فی امر الهلال و در حاشیه گوید : «اگر اهل حساب نجوم اتفاق کردند بروقوع کسوف البته حساب آنها خطا نمیکند اما از خیر آنها علم شرعی حاصل نمیشود ، و نماز کسوف و خسوف فقط وقتی واجب است که آنرا مشاهده کنیم اگر انسان احتمال دهد مخبران درست گفته اند و گمان به صحت قول آنها داشت نیت آن کند که هنگام وقوع و مشاهده نماز گزارد و آماده باشد ، این عمل اواز باب رغبت و سبقت در کار خیر و طاعت پروردگار بسیار پسندیده است .»

این فتوی از ابن تیمیه مخالف آن است که از ابن سریج نقل کرد . باز نالینو گوید : «میدانم که روش فقها غالباً آن است که بر حساب منجمین اعتماد نکنند . چون سنت رسول

(صلی الله علیه وآله) و صحابه او بر رؤیت بود، و نیز فقها از اشتباه منجمین بیم داشتند و ماه روزه را با مرطیعی واضحی که بچشم دیده شود مربوط میساختند نه با اجتماع ماه و خورشید که بچشم مرئی نیست، و گروهی اندک از منجمین بارنج و زحمت بسیار بدست میآوردند، و شاید خطا و اشتباه در حسابشان راه یافته باشد. باین حال روش فقها مخالف با آنچه من گفتم نیست چون ارتباط اوقات عبادات با اوضاع فلکی قهراً مسلمانان را متوجه افلاک ساخت، و رغبت آنانرا در دانستن احوال کواکب بیفزود، و آیات قرآن آنانرا ترغیب بنظر در آیات آسمانی کرد، هر چند بعضی فقها بر حساب آنان اعتماد نکنند، و آنها که از حساب نجوم مذمت کردند بسیار اندکند و مذمت آنان از جهت آن است که عامه مردم فرق میان حساب صحیح نجومی که مبنی بر سیر کواکب است و میان احکام و دلالت سعد و نحس نمیگذارند، بیم آن داشتند که از تصحیح علم نجوم مردم بخرافات احکامیان افتند و به شاید و نشاید که اصل درست ندارد متوسل شوند.

پس از این سخنان نالینو کلام عده‌ای از دانشمندان دینی را آورده است که نجوم را دو قسمت کردند و یک قسمت آنرا صحیح شمردند.

این دو قسمت از علم نجوم که نالینو از علمای مسلمان نقل کرده همان است که امروز در زبان اروپائیان؛ استرونومی *Astronomie* و آسترولوژی *Astrologie* معروف است.

نالینو گوید: آن قسمت صحیح از علم نجوم را غزالی در احیاء العلوم قسم حسابی نامیده است و در کتاب *المنقذ من الضلال* نیز این قسم نجوم را صحیح شمرده و بر مخالفان طعن زده است. گوید دومین آفت که بدین اسلام میرسد از دوست نادان است که پندارد انکار هر علمی که منسوب به حکما و علمای ریاضی باشد تایید دین اسلام است. پس هر چه از آنان شنیدند منکر شدند و بنادانیشان نسبت دادند، حتی آنکه قول ایشانرا در خسوف و کسوف باطل شمردند، و پنداشتند که گفتار آنان برخلاف شرع است... با آنکه نه شرع متعرض مسائل ریاضی شده است و نه در علوم ریاضی متعرض امور دینی شدند. این کلام رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که فرمود: «خورشید و ماه دو

آیند از آیات خداوند نه برای مرگ کسی منکسف میشوند و نه برای زنده بودن کسی، چون آنرا مشاهده کردید به سوی خدای تعالی و نماز متوجه گردید.» در این کلام چیزی که موجب انکار حساب خسوف باشد نیست که از سیر ماه و خورشید و اجتماع یا مقابله آنها بدست بیاید. تا اینجا سخن غزالی است. آنگاه از مطهر بن طاهر مقدسی در کتاب *بدء و تاریخ* نقل کرده است (من بیاری خداوند و خواست او تألیفی در نجوم خواهم کرد و آنچه صحیح است از این علم بیان خواهم نمود چون مردم نادان را می بینم این علم را سک گرفته و عالمان بدان را پست شمردند و از قدر آنها کاستند برای آنکه چند تن شاید دست با حکام غیب فرا بردند که خداوند از خلق خویش مخفی کرده است).

نالینو کلام غزالی را از کتاب *تهافت الفلاسفه* نقل نکرد و بنظر میرسد که سخن وی در آنجا روشتر است. در اوائل کتاب گوید: «علمای ریاضی گویند گرفتن ماه بدان است که روشنی ماه زائل گردد. باینکه زمین میان ماه و خورشید فاصله شود چون ماه از خورشید نور میگیرد وقتی زمین میان آن دو حائل گردد ماه در سایه زمین واقع میشود و نور خورشید از آن منقطع میگردد و نیز گویند گرفتن خورشید پان است که کره ماه میان چشم ما و خورشید قرار گیرد... و کسی که پندارد باطل کردن این علوم یاری دین است بر دین خیانت کرده است و مبنای آن را سست نموده چون در این امور برهانهای محکم هندسی و حسابی قائم است چنانکه شك در آن نمانده، و آنکه آن قواعد را بدانند و ادله آنها را درست بیاد گرفته و از آن قواعد خبر از وقوع کسوف و خسوف دهد پیش از وقوع، و درست آید اگر باو گویند علم تو برخلاف شرع است شك در علم خود نمی کند بلکه در شرع شك میکند و زیان شرع از کسی که نه از راه درست یاری آن کند بیش از کسی است که در آن طعن زند چنانکه گفته اند دشمن خردمند به از دوست نادان... بزرگترین وسیله طعن منکران دین وقتی است که رؤسای دین یکی از این امور را برخلاف شرع شمارند و راه باطل ساختن شرع را برای آنها آسان گردانند.»

نالینو از کتب علمای شیعه چیزی نقل نکرده است با آنکه مضمون سخن غزالی را پیش از وی سید مرتضی و

ابوالفتح کراچکی گفته‌اند: سید گویند «هرگز حق آفتاب و ماه و قمر و دیگر اجرام را حساب و سیر آن‌ها را حساب نمی‌کنند» و در کتب است که اصول درست و قواعد محکم دارد، مانند تأثیر کواکب در خیر و شر و سود و زیان اوضاع فلک نیست که اهل احکام ادعا میکنند. فرق میان این دو همین است که در کسوفات و امثال آن همیشه حساب آنان درست می‌آید و خطا در آن ظاهر نمی‌گردد بلکه خطای آنها همیشه در احکام است چنانکه کمتر اتفاق می‌افتد خیر آنها راست آید. انتهی. باید دانست که هرگاه دو متحرك در مسافتی حرکت کنند و مقدار حرکت آنها را بدانیم که در هر ساعت مثلاً چند کیلومتر طی میکنند و فاصله میان آنان و اول زمان حرکت هر یک را نیز بدانیم البته میتوانیم حساب کنیم کی بیکدیگر خواهند رسید و اگر کسی گوید حساب اینگونه امور خلاف شرع اسلام است یا از حساب آنها نتیجه بدست نمی‌آید شایسته مکالمه و جواب و سؤال نیست او را یا جهل خویش باید گذاشت. ستارگان آسمان سیری دارند مشخص از دوهزار سال پیش تاکنون تغییر نیافته، دوره ماه هرگز یکدقیقه بلکه يك ناله هم مقدم و موخر نگردیده و خورشید را نیز سیری است با سرعت معلوم که هرگز تغییر نکرده است و دو هزار سال بیشتر است که از آن خبر داریم در قرآن کریم فرمود کل یجری لاجل مسمی و فرمود ذلك تقدیر العزيز العليم اندازه گیری خداوندی است که میداند و میتواند بی معارض تحقق دهد. حساب کسوف و خسوف و هلال بعینه مانند حساب دو متحرك تند و کند است که زمان حرکت و سرعت هر یک را میدانیم وقت رسیدن آنها بیکدیگر را حساب میکنیم و نیز مانند حساب طلوع و غروب آفتاب است که میدانیم چند ساعت پس از نصف النهار باقی میرسد. تابستان در شهری که زیست میکنیم چه ساعت غروب میکند و زمستان در چه ساعت.

گروهی از مردم متورع اما ساده لوح بر سید مرتضی خرده گرفته‌اند که بر حساب منجمین در کسوف و خسوف و امثال آن اعتماد کرده است و آنرا صحیح دانسته. این مردم از همان دوستان زیان بخشند که غزالی وصف آنها کرده است و سخن وی گفته شد..

امیر ابونصر از شاهزادگان آل قریفون گفتار امیر ابونصرین است که در خوارزم حکومت داشتند عراق در رویت ابوریحان بیرونی بسیاری از آیات خود را هلال و مذهب ترد او بر برد و در بعضی اشعار عربی اسماعیلیان نام او را برده و مدح او کرده است. وی از بزرگان علمای ریاضی است و در

بیشتر کتب ما استنباط شکل مغنی را که اساس علم است بوی نسبت میدهند. در ذیل کتاب نالینو صفحه گوید رساله وی را که در متناسب بودن جیب اضلاع کروی با جیب زوایای مقابل آن نوشته و نسخه آن در کتب

لیدن موجود است بنام (راجع بعلم مثلثات ترد عرب). اخیراً یزبان آلمانی ترجمه و طبع کرده‌اند. بعضی گویند ابوالوفا محمد بن محمد یوزجانی یا ابومحمود حامد بن خضر خجندی پیش از ابونصر آنرا دریافتند.

باری ابونصر رسائل سودمند بسیار دارد از جمله رساله‌ای در رویت هلال و روش اسماعیلیه ورد طریقه آنان تألیف کرده جزء مجموعه‌ای در خیدرآباد دکن سال ۱۳۶۶ طبع رسیده است. خواه مؤسس قاعده اصلی علم مثلثات ابونصر باشد یا دیگری، بی‌شبهه وی از بزرگترین علمای ریاضی است و قول او در آنچه درصدد بیان آنیم حجت است و چنانکه در حاشیه کتاب نالینو صفحه ۲۴۵ نوشته است ابوریحان بیرونی با همه فضل و مقام علمی شاگرد ابونصر بود.

شیعه اسماعیلیه بحکمت و علوم عقلی رغبت بسیار داشتند و احکام اسلام را با اصول علمی می‌آمیختند از جمله خواستند ماه قمری را بر قواعد نجومی منطبق سازند و تصور میکردند بدین طریق میتوان اختلاف در رویت هلال را از میان مردم برداشت و همه را بر حساب علمی که اختلاف ندارد متفق ساخت. همان فکری است که گفتیم چندی پیش از طرف سلطان مغرب پیشنهاد شده بود اما روش اسماعیلیان نه بر حسب سنت نبوی صلی الله علیه و آله صحیح بود و نه بر حسب قواعد نجومی چنانکه ابونصر در این رساله بیان کرده است. اینک ترجمه بخشی از مقاله وی:

گروهی از طائفه اسماعیلیه حکایت کنند که شیعه از اختلاف مسلمانان در آغاز و انجام ماه روزه نرسد

جعفر بن محمد صادق رضی الله عنه شکایت کردند چون در دیدن هلال شك می افتد و در عدد شهودی که باید در دیدن هلال شهادت دهند و شهادت آنها را باید پذیرفت میان فقها اختلاف است و دلیل روشنی ندارند که بر آن اعتماد کنند و از خلاف و تنازع آسوده شوند برخلاف مسیحیان که قانونی معلوم دارند و آغاز روزه خویش از آن قانون استخراج میکنند و شك و خلاف میان آنها نیست . اسلام اولی است که این امر مهم را سامانی دهد و مردم را از رنج خلاف برهاند که روزه یکی از ارکان دین اسلام است . گویند صادق رضی الله عنه در جواب آنان گفت این خلاف از آنجا پدید آمد که مردم بامام حق رجوع نکردند و برای خویش اعتماد نمودند . ائمه حق گنجور علم و وارث پیغمبر و معدن حکمتند و از عترت پاك رسول صلی الله علیه و آله . اگر کار را باهلس می گذاشتند خودشان و دینشان سالم می ماند و اختلاف از میان آنان بر می خاست . آنگاه جدولی که از علم امامت و سربوت یقلم شریف خود مرتب ساخته بود برای آنان بیرون آورد که اول ماه روزه از آن آسان بدست می آید و در آن شك و شبهه نمی ماند و بعضی از آنان طریقه حساب آنرا نیز بیان کردند تا اگر جدول حاضر نباشد بتوان از روی حساب آغاز هر ماه را بیرون آورد و بگمان اسماعیلیان آن شب که هلال دیده شود روز پیش از آن غره ماه است نه روز بعد از آن .

آنگاه ابونصر گوید : «حق امیر المومنین علی بن ابی طالب و عترت طاهره از فرزندان او بر ما بسیار بزرگ است و بر من دشوار می آید که جماعتی خویش را شیعه شمارند و به نیکان خاندان رسول چیزها نسبت دهند که خداوند آنها را پاك و مبرا فرموده است و اگر دشمنان آنها بشنوند طعن ها زنند و برگزیدگان آفرینش را به نقص و جهل منسوب دارند . من بسیار با این مردم مناظره کردم و برای رضای خدا کوشیدم تا بآنان بفهمانم که بعمل خویش دشمترین دشمنان این خاندانند

اگر غره ماه روز پیش از رؤیت هلال است هیچ کس صبح آن روز نمیداند که هنگام غروب ماه دیده خواهد شد چگونه آن روز را روزه دارد یا افطار کند .
و نیز گوید : « این مردم پیوسته يك ما را سی روز

گیرند و يك ماه بیست و نه روز بترتیب چنانکه همیشه ماه شعبان نزد آنان بیست و نه روز است و ماه رمضان سی روز . اگر این سخن صحیح باشد چه حاجت بر رؤیت هلال است و آیه شریفه فمن شهد منكم الشهر فليصمه چه معنی خواهد داشت و ماه را چه افتاده است که در شعبان بشتاب رود و در ماه رمضان بکندی فرو ماند یا خورشید در شعبان کند رود و در رمضان شتاب کند و از این قبیل اباطیل بسیار شمرده است که با ائمه حق نمیتوان نسبت داد . و پس از آن ابونصر ثابت کرد که اینان بطریق ناقص ندانسته جدول خویش را از زیج های نجومی برگرفته و نسبت بامام دادند و این رسم منجمان است که پیش از استخراج هلال يك ماه را سی و یکی را بیست و نه فرض میکنند تا پس از آنکه وقت رؤیت بدست آمد مقدار هر ماه بتحقیق معلوم گردد و گاه باشد که چند ماه پی در پی سی روز گردد یا بیست و نه روز .

خواننده مقاله اگر اهل حدیث باشد از آنچه ابونصر آورده است متنه میشود که احادیث عدد در کتب ما از ناحیه گروه اسماعیلیه راه یافته و بغلط نسبت باصحاب ائمه علیهم السلام داده اند اینکه ماه رمضان هرگز ناقص نمیشود و ماه شعبان هرگز تمام نخواهد بود مذهب اسماعیلیان است و از این جهت فقهای ما این روایات را طرد کرده و بآن عمل ننمودند .

در بعضی کتب ابوریحان دیده ام که روت هلال و حساب بعضی از ازم قدیم آغاز ماه قمری از آن به قواعد علمی دیدن ماه نو میکردند . کامیل - فلاماریون در کتاب عظیم خود بنام «نجوم برای عموم» در آغاز فصل دوم از شرح کره ماه مینویسد « علم نجوم قدیمترین علوم است و رصدها قدیمترین ارصاء نجومی است برای آنکه از همه ساده تر و آسانتر و سودمندتر میباشد .

این کره شیانه نور خود را آهسته و آرام در وقتی که طبیعت خاموش است بزمین میفرستد . تشکلات پی در پی او برای شبانان و مسافران نخستین مقیاس زمان است ماه نو با روشنی ضعیف خود يك تقویم ساده برای شبانان است .

تزدیک مدت يك ماه این رفیق همسفر کره زمین يك دور تمام در آسمان طی میکند اما حرکت او بر عکس حرکت شبانه روزی است . در عین آنکه ماه مانند سایر

ستارگان طلوع و غروب دارد و از جانب مشرق سوی مغرب می‌رود، هر شب مدتی ساعت از هم‌سفران خویش عقب می‌باشند و بنظر می‌آید که از ستاره‌ای که دیشب همراه او بوده و امانده و اندکی سوی مشرق گرائیده است. این حرکت بروشنی محسوس است و سه روز پیاپی که جای او را بدقت ملاحظه کنیم کیفیت آن بر ما معلوم میگردد. آنگاه اشکال ماه را از هلال تا (بدر) و تریع اول و دوم تا آخر که ناپدید میگردد (و آن حالت محاق است) شرح داده و گوید «این فاصله کوتاه که ماه در آن ناپدید می‌باشد چه اندازه پیش از اجتماع است و چه اندازه پس از آن؟ حل آن برای مسلمانان بسیار ارزنده است که نگران پایان روزه ماه رمضان و باید آن را پدید آمدن ماه نو تعیین نمایند».

ملیون‌ها مردم در آن هنگام چشم بآسمان دوخته دارند و باید از شرقیان جواب دقیق این مسئله را بجوئیم اما باید اقرار کرد که در این زمان کسی در مشرق بنجوم نمی‌پردازد.

چنانکه فلاماریون گفته است در کشورهای شرقی در عصر ما علم نجوم بر افتاده و منسوخ شده است اما آترمان که اساتید این علم بودند قاعده استخراج هلال را یافته‌اند هر چند در بیشتر کشورهای مسلمانان از آن آگاه نیستند. علش آنستکه پس از فتنه چنگیز و سقوط بغداد بدست هلاکو مطلق رصدهای نجومی بزبان فارسی تدوین گشت و بزبان فارسی فقط در ایران و هندوستان متداول بود. پس از اطلاع از هیئت جدید و طریقه کپرنیک و کپلر که جداولوزیجات را مطابق آن نوشتند باز هندیان پیش از سایر امم مشرق بدان پرداختند و آنچه جدول مرتب کردند بزبان فارسی نوشتند. در عهد محمدشاه گورکانی هندی معاصر شاه سلطان حسین مطابق هیئت فرنگی زبجی مرتب ساختند که بزبجی هندی مشهور است چون بزبان فارسی است در ایران متداول گشت اما سایر ممالک اسلامی خصوصاً آنها که فلاماریون می‌شناخت مانند الجزائر و تونس از این علوم خبر ندارند چون زبان فارسی نمیدانند.

باز فلاماریون گوید از قول هولیوس که آمریک و سپوس در مناطق استوائی در یک روز هلال را پیش از طلوع آفتاب در مشرق دید و همان روز پس از غروب آفتاب در

مغرب. اما خود هولیوس در آلمان که ماه را رصد میکرد هرگز نتوانست که هلال را زودتر از چهل ساعت پس از اجتماع و دیرتر از ۲۷ ساعت پیش از آن مشاهده کند. در ذیل کتاب گوید «من چندین بار مشاهده آنرا ۳۲ ساعت، ۳۰ ساعت، ۲۹ ساعت، ۲۸ بلکه ۲۷ ساعت پیش یا بعد از اجتماع دریافتم».

تشخیص هلال را بساعت نمیتوان داد و ملاک دیدن هلال فاصله او است از خورشید و آنچه درباره ساعت گفتند تقریبی است. ماه در سیر خود گاه تند است و گاه کند. و باید در حدود ده درجه از خورشید دور شود تا قابل دیدن باشد. اگر تندرو باشد ده درجه را در مدتی کمتر از ۱۸ ساعت طی میکند و اگر کندرو باشد از ۲۴ ساعت نخواهد کشید. آنکه فلاماریون از امریک و سپوس نقل کرد هیچکس غیر او تاکنون مشاهده نکرده است که سحر هلال ماه را در مشرق ببینند و غروب همانروز در مغرب مشاهده کنند، قطعاً در آن اشتباهی رخ داده است مگر یکی از انبیا و اولیا اوضاع حرکت افلاک را دگرگون سازد چنانکه در تورات آمده است حضرت یوشع روز جنگ با عمالقه آسمان را از حرکت بازداشت که آفتاب غروب نکرد تا بنی اسرائیل بر دشمنان خویش غالب آمدند. چون امریک و سپوس منجم نبوده اما تورات خوانده بوده سخن وی را با تردید و شکفتی نقل کردند و هولیوس خود منجم بود و در رصدماه بخصوص مهارت داشت چنانکه اول او نقشه سطح کره ماه را منتشر ساخت و بلندی کوههای آنرا اندازه گرفت و قول وی که بین ۴۰ ساعت و ۲۷ ساعت تعیین کرده باورکردنی و بحق نزدیکتر است.

چون بقول فلاماریون جواب تحقیقی مسئله هلال را باید از شرقیان پرسید که آنها عنایتشان بیشتر بوده ما گوئیم جواب تحقیقی مسئله آنزمان که در این نواحی منجمان ماهر بودند و تجربه و رصد کردند قاعده رویت هلال را یافته‌اند. باصطلاح منجمان ماهر گاه بعد معدل و بعد سوی هردو در حدود ده درجه باشد ماه دیده میشود و شرح این دو بعد در این مقاله مناسب نیست و بلادی که عرضشان بیشتر است مانند آلمان و فرانسه با چنان اتفاق افتد که پس از ۴۰ ساعت بعد از اجتماع نیز ماه قابل رویت نباشد چون اختلاف بعد

روز
باج
یل
۳۰
ع
دن
سد
اید
...
بت
...
او
...
ان
ع
...
ان
ما
ل
س
ر
که
ق
د
ب
د
ر
د
ن
ن
ن

معدل و بعد سوی در آنجا بسیار است و اختلاف بین مطالع و طوالع بیشتر از آن است که در بلاد کم عرض اتفاق میافتد رؤیت ماه نو هنگام غروب مدتی پس از اجتماع ماه و خورشید است و باید چند ساعت از آن بگذرد تا هلال را بتوان دید . اجتماع ماه و خورشید را بدقت میتوان حساب کرد چون مقدار سیر هر دو معلوم است و چنانکه گفتیم از دوهزار سال پیش تا کنون که رصد آنها در دست است تفاوتی نکرده است . مانند آنکه میتوانیم حساب کنیم دو متحرک تند و کند که مقدار سیرشان معلوم است چه وقت بیکدیگر خواهند رسید؟ باین حال اگر کسی ادعای رؤیت ماه کند پیش از حال اجتماع یا اندکی پس از آن البته اشتباه کرده و از او نباید پذیرفت و چنانکه دیدیم منجمین ماهر اروپائی اقل ۲۷ ساعت پس از اجتماع گفته اند و موافق حساب منجمان اسلامی که بعد معدل و بعد سوی اعتماد کردند تا ۱۸ ساعت احتمال رؤیت است . شاید آنکه از نجوم آگاه نباشد تصور کند حساب اجتماع ماه و خورشید صحیح نیست یا پندارد هر چه منجم گوید غلط است ولیکن حواب اینان داده شد و قول فقها را در این باب نقل کردیم .

اختلاف در
رؤیت هلال.
بارها دیده و شنیده ایم که در کشور های اسلامی در رویت هلال اختلاف میافتد و بر حسب اختلاف هلال اعیاد

و مراسم عبادات نیز تغییر میکند . اختلاف از دو جهت است یکی آنکه ماه حقیقه در شهری قابل رؤیت بوده و در شهر دیگر نباشد مثلا در بلاد غربی مانند شام و مصر و الجزائر غروب روز جمعه ما را به بینند اما در هندوستان و افغانستان نهینند چون غروب این بلاد چند ساعت پیش از غروب شام و مصر است و در این چند ساعت ممکن است که ماه قابل رؤیت نبوده قابل رویت شود یا ماه در بلاد شمالی مانند آلمان قابل رویت نباشد و در بلاد استوائی دیده شود . از اختلاف اوقات عبادت و آغاز و انجام ماه روزه نباید ترسید چون اهل هر شهر مکلف با اوقات همان شهرند وقتی در هندوستان ظهر است و نماز ظهر میتوان خواند در شام ظهر نشده و آنوقت که در شهر مشهد غروب است و روزه را افطار میکنند در تهران غروب نشده و مردم روزه دارند . همچنین شاید ماه رمضان در شام زودتر از هندوستان باشد . اما این اختلاف

سازمان اوقافی

نباید از یکروز تجاوز کند . و اگر کسی گوید که من راهی دارم برای رفع این اختلاف از او نمی پذیریم و دلیل بر جهل او میگیریم .

اختلاف دیگر ناشی از سهل انگاری و اشتباه شهود و قضات است . بسا شاهد که نادیده را دیده انگارد و یا ابری نازک را ماه پندارد و بی چشم خیال شهادت دهد بخصوص که در بعض مذاهب شهادت یک تن مسلمان کافی است اگر چه هیچکس با توجه ودقت ماها را نبیند و بعضی قضاة بقرائن صدق و کذب شهود اعتنا نمی کنند یا چنان تفتن ندارند که قرائن غلط را دریابند . این اختلاف قابل حل است اگر مراعات قواعد علم هیئت و نجوم را بکنیم و شهادتی که یقینا غلط و اشتباه است نپذیریم .

البته نمی توان گفت هیچ محاسب اشتباه نمیکند چنانکه نمیتوان گفت هیچ شاهد خطا نمیکند .

اما اگر محاسبان متعدد باشند و همه متوافق و عمل خویش را مکرر کنند کم اتفاق افتد که حسابشان خطا درآید ، اگر خطا کنند در مقداری اندک و ناچیز است ، مهندسان در مساحت اراضی چند سانتی متر یا در مسافت صدها کیلومتر دوسه متر اشتباه قابل اعتنا نیست همچنین اگر در حساب اجتماع ماه و خورشید و رویت هلال چند دقیقه مقدم و موخر گیرند معفوند برخلاف شهود غامی و بی خبر که بجای چند دقیقه دو روز خطا میکنند .

امروز کتبی که در جداول ریاضی بطبع رسیده مانند لگاریتم اعداد و جداول مثلثات و تقویم های خارجی موسوم به معرفة الاوقات *Connaissance de temps* کاملا بی غلط است و محاسبان بدقت کامل کار خود را بانجام رسانیده اند . کشتیایان و هوانوردان در میان اوقیانوس و جو هوا وزیر دریا با اعتماد حساب آنها مسافر و مال التجاره میبرند و اگر يك درجه در انحراف از قطب نما اشتباه کنند خطر هاست اما درهمه این امور اعتماد بر حساب منجمین میکنند و سالم بمقصد میرسند .

اگر کسی از ما سؤال کند دلیل شرعی بر اینکه میتوان بشهادت شهود اعتماد کرد بسیار داریم اما بر اینکه بقول منجم میتوان شهادت شهود را باطل کرد دلیل نداریم بنابراین پیشنهاد دولت مراکش که حساب علمی درباره رؤیت

صفحه ۲۷

هلال دخل دهیم صحیح نیست . اسماعیلیان مشرق هم این عمل را میخواستند و موفق نشدند چنانکه از قول ابونصرین عراق نقل کردیم .

در جواب گوئیم روش اسماعیلیان غیر آن است که ما می گوئیم . اسماعیلیان یکماه را سی روز و ماه دیگر را بیست و نه روز حساب میکردند پی در پی ، و در اینصورت احتیاج برویت هلال نبود با آنکه در قرآن کریم است یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْاَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ (ترا از هلال پرسند بگو هلال میزان اوقات است برای مردم) و نیز در قرآن است فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ هر کس از شما ماه را بیند روزه دارد و اگر بعد و ترتیب تام و ناقص اعتماد باید کرد حاجت بدیدن ماه نو نیست و آن برخلاف سنت مسلمانان و اصحاب پیغمبر است که پیوسته تابع هلال بودند . و چون قول آنان موافق قرآن و سنت نبود بر افتاد .

اما این طریقه ای دیگر است و ما میگوئیم همان رویت هلال معتبر است چنانکه سنت مسلمانان بوده و هست الا آنکه اگر شهود ادعای دیدن کنند در حالتی که یقین دانیم خطا کردند قول آنان را نمی پذیریم . بدلیل آنکه شهادت گواهان عین حقیقت و واقع نیست بلکه راهی است برای یافتن حقیقت ، و اگر یقین کنیم حقیقت غیر آن است که شاهد گوید ، نباید پذیرفت . مانند مردی که گواهان شهادت داده بودند شتر او ناقه یعنی ماده است و واقع برخلاف آن بود معاویه شهادت آنرا رد کرد . اکنون اگر کسی شهادت دهد ساعت یازده آفتاب را دیدم که بنصف النهار در آمده بود یقین داریم سهو کرده است . یا شهادت دهد در فصل زمستان

طهران دیدم ساعت ۳ بعد از نیمه شب فجر طالع شدن می پذیریم . در حساب نجوم فرقی میان بلندی و کوتاهی شب و روز در تابستان و زمستان و میان اجتماع و رویت هلال و کسوف و خسوف نیست ، چنانکه این ثابت و صحیح است آنهم ثابت و صحیح است . علت آنکه بعض فقها شب و روز و ساعت فجر و مغرب را صحیح میدانند و بدان اعتنا میکنند و مخالفت شهود را تا حدودی قبول میکنند که ممکن باشد در حساب سهو واقع شود اما رویت هلال را صحیح نمیدانند و قول شاهد را هر چند در روز مقدم یا موخر باشد می پذیرند آن است که از علم نجوم و هیئت و ثبات وضع حرکات فلکی خبر ندارند و این گونه مردم معذورند چنانکه رد دانشمندان آگاه هم این شهادت را بجا و صحیح است .

اسماعیلیان مشرق در حقیقت مسلمان نبودند بلکه تظاهر بدین میکردند تا بر مسلمانان حکومت کنند و چندان از احکام اسلام آگاه نبودند که بآراء خویش صورت دینی دهند و در علوم حکمی نیز با آنکه اظهار تعصب میکردند بیایه مسلمانان نمیرسیدند و بشهوت رانی و لذات خصوصاً لذات غیر طبیعی از تحقیق علمی باز می ماندند . و سیاسی آمیخته برعب و جبر و استبداد داشتند از این جهات رأی آنان را کسی نمی پذیرفت و بمحض آنکه قدرت از دست آنان بدر رفت رسوم آنها بر افتاد و آئین آنان منسوخ گشت .

باز در باره ماه هلالی سخن بسیار داریم اکنون بهمین اکتفا میکنیم و مطالب دیگری را برای وقت دیگر میگذاریم اگر خدا خواهد و توفیق دهد .

۱۶۸۲۲